

بسم الله الرحمن الرحيم

جواب سؤال

آیا حزب التحریر اشعری به شمار می‌رود؟

به جواب ریاض ابومالک

سؤال:

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته!

شیخ صاحب گرامی! الله متعال به شما برکت دهد و درهای خیر و معرفت را به روی‌تان بگشاید! سوالی دارم، اگر جواب آن را لطف کنید: آیا حزب التحریر در موضوع عقیده، اشعری به شمار می‌رود یا در این زمینه فهم و برداشت خاص خود را دارد؟ تشکر از شما.

جواب:

وعلیکم السلام ورحمة الله وبرکاته!

پیش از آن که به گونه مستقیم به سوال شما پاسخ دهم، لازم می‌دانم به نکات زیر اشاره و تأکید کنم:

نخست: واقعیت حزب التحریر

1- حزب التحریر خود را چنین معرفی کرده است: «حزب التحریر یک حزب سیاسی است که مبدأ آن اسلام است. فعالیت آن سیاسی و اسلام مبدأ آن است. این حزب در میان امت و همراه با آن فعالیت می‌کند تا امت، اسلام را قضیه اساسی خود قرار دهد و حزب بتواند آن را برای بازگرداندن خلافت و حاکمیت بر اساس آنچه الله سبحانه و تعالی نازل کرده است، رهبری کند. حزب التحریر یک کتله سیاسی است، نه یک کتله روحی، علمی، آموزشی یا خیریه. اندیشه اسلامی، روح پیکره، هسته و راز حیاتش است».

بنابراین، حزب التحریر بر اساس این تعریف، نه یک مکتب فکری، نه یک فرقه کلامی و نه یک مذهب فقهی است؛ بلکه حزبی سیاسی است که قضایای امت را بر عهده می‌گیرد، از آن‌ها دفاع می‌کند و برای برپایی اسلام در عرصه زندگی و پاسداری از آن پس از برپایی‌اش فعالیت می‌نماید. این حزب به عقیده اسلامی ایمان دارد و هر کسی را که به عقیده اسلامی باور داشته باشد، برادر خود می‌داند:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ [حجرات: ۱۰]

ترجمه: همانا مؤمنان با یکدیگر برادرند.

همچنین، درباره هر مسئله اختلافی با او به بهترین شیوه گفت‌وگو می‌کند.

2- حزب التحریر مجموعه‌ای از افکار، احکام و دیدگاه‌هایی را که برای انجام فعالیتش لازم بوده، تبیین کرده و آن‌ها را در کتاب‌ها و نشریات خود گنجانده است. با این حال، این حزب هر مسئله و هر اندیشه‌ای را مورد بحث قرار نداده و در بسیاری از مسائل، به‌ویژه در مباحث مربوط به عقیده و عبادات، دیدگاه مشخصی را تبیین نکرده است؛ زیرا چنین اموری برای فعالیت آن، به‌عنوان یک حزب سیاسی که برای بیدارسازی امت، برپایی دولت خلافت و حرکت بر پایه اندیشه و احساس امت تلاش می‌کند، ضرورتی ندارد. برای نمونه، حزب در موضوع عصمت انبیاء و رسولان و نیز درباره اجتهاد رسول الله صلی الله علیه وسلم دیدگاه مشخصی را تبیین کرده است؛ زیرا این مسائل بر فهم تشریعی اثر می‌گذارند. اما در بسیاری از مسائل دیگری که متکلمان درباره آن‌ها به بحث پرداخته‌اند، دیدگاهی را تبیین نکرده است.

3- حزب التحریر همواره خود را به قوت دلیل پایبند دانسته است. این امر در اهتمام پیوسته آن به بازنگری فرهنگ حزبی، دیدگاه‌های تبیینی شده و اعتماد بر دلیل قوی آشکار شده است. بر همین اساس، کتاب‌های خود را به گونه‌ای تکمیلی تصحیح و تعدیل کرده است. حزب هرگز بر دیدگاهی که ضعف دلیل آن برایش ثابت شده و دلیل دیدگاه دیگری را قوی‌تر یافته، پافشاری نکرده است؛ بلکه رأی را که ضعف دلیلش ثابت شده، کنار گذاشته و دیدگاهی را پذیرفته است که قوت دلیل آن برایش روشن گردیده است. این موضوع در شماری از تصحیحات و تعدیلات کتاب‌های حزب و نیز در بازنگری‌های همه‌جانبه‌ای که هر از گاهی در آثار خود انجام می‌دهد، به روشنی دیده می‌شود.

دوم: برخی از مسلمانان، برای مکاتب و گرایش‌های فکری‌ای که در مباحث مربوط به فروع عقیده و مسائل کلامی با یکدیگر اختلاف داشته‌اند، نام‌های ویژه‌ای به کار برده‌اند؛ مانند اشعریه، منسوب به امام اشعری رحمه الله؛ ماتریدیه، منسوب به امام ماتریدی رحمه الله؛ سلفیه و دیگر مکاتب. همچنین، آنان دیدگاه‌های این مکاتب را با واژه «عقیده» نام‌گذاری کرده و گفته‌اند: «عقیده اشعری، عقیده ماتریدی، عقیده سلفی و مانند آن. حتی برخی متون و کتاب‌های عالمان مشخص را نیز «عقیده» نامیده‌اند؛ چنان‌که گفته‌اند: «عقیده طحاویه»، منسوب به امام طحاوی رحمه الله و «عقیده واسطیه»، منسوب به رساله‌ای که امام ابن تیمیة رحمه الله برای مردم واسط نوشته است و مانند آن. اما حقیقت این است که اطلاق واژه «عقیده» بر همه این موارد، دقیق و بجا نیست؛ زیرا سبب ابهام و تفرقه میان مسلمانان می‌شود. موضع مذاهب در مسائل مرتبط با مباحث اعتقادی، خود عقیده نیست؛ بلکه عقیده، همان عقیده اسلامی است که با دلایل قطعی در شرع ثابت شده و اختلاف در آن جایز نیست. بر این اساس، چیزی به نام «عقیده اشعری»، «عقیده سلفی» یا «عقیده طحاوی» وجود ندارد؛ بلکه تنها یک عقیده اسلامی وجود دارد که همه مسلمانان را، در هر مکان و با وجود اختلاف مذاهب و دیدگاه‌هایشان، گرد هم می‌آورد.

در کنار آن، میان مذاهب و مکاتب فکری مانند اشعریه، ماتریدیه، سلفیه و دیگران، در برخی مباحث مربوط به مسائل فروعی بیرون از اصل عقیده اسلامی، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد و هر گروه در این مسائل رأی خاص خود را دارد، بدون آن‌که این اختلاف، آن را از دایره عقیده اسلامی بیرون سازد.

سوم: روشی که حزب در تبیین افکار، احکام و دیدگاه‌ها در پیش گرفته، پذیرش رأی بر اساس قوت دلیل آن بدون توجه به گوینده آن است؛ خواه دلیل عقلی باشد یا نقلی. از این رو، حزب التحریر در برخی مسائل مربوط به فروع اعتقاد، دیدگاه‌هایی را تبیین کرده است که اشاعره نیز به آن‌ها قائل بوده‌اند و در برخی مسائل دیگر، دیدگاه‌های را پذیرفته است که دیگران مطرح کرده‌اند. همچنین در مسائل شرعی، از آرای مذاهب مشهور فقهی و نیز دیدگاه‌های بیرون از آن مذاهب بهره گرفته، بدون آن‌که خود را به مذهب معینی مقید سازد. بنابراین، درباره حزب التحریر گفته نمی‌شود که برای مثال شافعی یا حنفی است؛ همان‌گونه که گفته نمی‌شود اشعری، سلفی، ماتریدی یا معتزلی است. همچنین گفته نمی‌شود که به مکتب رأی یا مکتب حدیث تعلق دارد و مانند آن.

حزب التحریر هیچ‌یک از این‌ها نیست؛ بلکه حزب سیاسی‌ای است که مبدأ آن اسلام است و دیدگاه‌ها را بر اساس قوت دلیل آن‌ها و مطابق روش استواری که در کتاب‌های خود تبیین کرده، می‌پذیرد؛ بدون آن‌که گوینده آن دیدگاه را در نظر بگیرد. از این رو، در میان آرای حزب، برخی دیدگاه‌هایی وجود دارد که اشاعره نیز به آن‌ها قائل بوده‌اند، برخی دیدگاه‌هایی که سلفیه مطرح کرده‌اند و برخی آرای که دیگر مکاتب گفته‌اند. پذیرش همه این دیدگاه‌ها صرفاً بر اساس قوت دلیل آن‌ها صورت گرفته است، نه از روی التزام به آرای یکی از آن مکاتب و نه به معنای پیروی از روش، اندیشه یا دیدگاه‌های آن‌ها.

حزب همچنین اختلافاتی را که در گذشته میان مسلمانان پدید آمده است، به رسمیت نمی‌شناسد؛ بلکه مسلمانان را با وجود اختلاف مذاهب و گرایش‌هایشان، امت واحد می‌داند و آنان را فرامی‌خواند تا دعوتش را بپذیرند و همراه آن برای برپایی اسلام، حمل دعوت و وحدت بخشیدن به امت زیر پرچم خلافت اسلامی فعالیت کنند.

امیدوارم این پاسخ، برای روشن شدن موضوع کافی باشد. و الله متعال داناتر و حکیم‌تر است.

برادران عطاء بن خلیل ابوالرشته

امير حزب التحرير

١٧ ذوالحجه ١٤٤٢هـ.ق.

برابر با ٢٧ جولای ٢٠٢١م.

مترجم: احمدصادق امين